

اهداف فرهنگی ایران در سایه کتابخانه‌های عمومی

• محسن حاجی‌زین‌العابدینی

• نقش کتابخانه‌های عمومی در تحقق اهداف فرهنگی برنامه‌های توسعه‌ای کشور (برنامه‌های اول،

دوم و سوم: ۱۳۶۸-۱۳۸۳). پایان‌نامه کارشناسی ارشد

• استاد راهنما: نوش‌آفرین انصاری

• استاد مشاور: دکتر عباس حری

• پژوهشگر: لیلا مکتبی‌فرد

تهران: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰

• متن پایان‌نامه ۱۰۳ صفحه، پیوست‌ها حدود ۸۰ صفحه.

انجام داده است. بنابراین عین چکیده در اینجا نقل می‌شود تا خوانندگان گرامی با مباحث و یافته‌های اصلی آن آشنایی نسبی پیدا کنند.

«این پژوهش با هدف تعیین توانایی‌های بالقوه کتابخانه‌های عمومی در تحقق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی دولت در چارچوب برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در فاصله سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۳ انجام شده و جایگاه فعلی این کتابخانه‌ها را در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مشخص کرده است. در این پژوهش که از نوع توصیفی است، عمدتاً از روش سندی استفاده شده، و در پاره‌ای از موارد نیز اطلاعات از طریق مصاحبه گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در مجموعه قوانین برنامه‌های توسعه و متون مرتبط با این قوانین بیش از پنجاه بند وجود دارد که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم از طریق کتابخانه‌های عمومی قابل تحقق است. این بندها مفاهیمی همچون ارتقای سطح فرهنگ جامع، همگانی کردن فعالیت‌های فرهنگی، کمک به ارتقای سطح سواد و کاهش نرخ

در این نوشته به معرفی پژوهشی در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌پردازیم که هم به لحاظ روش و هم به لحاظ محتوا، اندکی با پایان‌نامه‌هایی از این دست متفاوت است. این پایان‌نامه که به راهنمایی یکی از برترین اساتید کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور و از صاحب‌نظران امور کتابخانه‌های عمومی به رشته تحریر درآمده است، به گونه‌ای به بررسی کمی و در مواردی کیفی کتابخانه‌های عمومی کشور پرداخته است. مشاوره پایان‌نامه نیز بر عهده استاد صاحب نام کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور بوده است که خود نوشته‌ها و نظرهای عمیقی در خصوص کتابخانه‌های عمومی کشور دارند. تلاش پژوهشگر محترم نیز برای عهده‌دار شدن و اجرای چنین پژوهش متفاوتی که سابقه کمی در نوع خود دارد، نشانگر عزم این گروه کوچک برای ارائه تصویری واقعی از کتابخانه‌های عمومی کشور است که خوشبختانه نتیجه خوبی هم در بر داشته است.

در ابتدا بدون هیچ مقدمه‌ای باید آن را معرفی کنیم که چکیده ارائه شده در ابتدای پایان‌نامه این کار را به خوبی



بی‌سوادی، کمک به آموزش‌های رسمی و غیر رسمی در جامعه، فراهم‌آوری مواد خواندنی مناسب برای کودکان و نوجوانان، کمک به پر کردن اوقات فراغت کلیه اقشار جامعه و کمک به گسترش کتاب و کتاب‌خوانی را در بر می‌گیرد.

در حوزه انطباق شرایط فعلی کتابخانه‌های عمومی ایران با استانداردهای ارائه شده از سوی ایفلا، یافته‌ها حاکی از آن است که: در مواردی همچون نیروی انسانی متخصص شاغل در کتابخانه‌ها، تعداد موجودی کتاب‌ها در کتابخانه‌های عمومی، به ترتیب با ۴ درصد و ۷ درصد دارای کمترین انطباق با استانداردهای ایفلا است. در رابطه با پراکندگی کتابخانه‌ها در مناطق مختلف کشور نیز تفاوت فاحشی در توزیع کتابخانه‌های استان‌های کشور به چشم می‌خورد. در جهت کمک به رواج تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی، طبق داده‌های موجود، کتابخانه‌های عمومی تاکنون ضعیف عمل کرده‌اند. در زمینه‌هایی چون دسترسی پذیری مواد خواندنی برای نابینایان، ناشنوایان، معلولان جسمی - حرکتی، گردآوری اشکال گوناگون اطلاعات، چارچوب‌های مالی و قانونی و تخمین نیازهای جامعه استفاده‌کننده نیز طبق اطلاعات گردآوری شده از دست‌اندرکاران امر، نمی‌توان شاهد وضعیت قابل قبولی بود. برای بهبود وضعیت کتابخانه‌های عمومی و در پی آن کمک به تحقق اهداف

شده در برنامه‌های توسعه‌ای، توجه به ارتقای کیفیت خدمات، استفاده از مدیران متخصص و دانش‌آموخته کتابداری و تجدید نظر در قوانین مکتوب کتابخانه‌های عمومی پیشنهاد می‌شود. برنامه‌های توسعه کشور، برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند که در قالب دوره‌های ۵ ساله برای توسعه کشور تصویب و اجرا می‌شوند. اکنون در آغاز اجرای برنامه چهارم توسعه کشور هستیم و تاکنون ۳ برنامه ۵ ساله پشت سر گذاشته شده است. برنامه اول از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، برنامه دوم از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ و برنامه سوم از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ اجرا شدند. در این برنامه‌ها به توسعه فرهنگی کشور در کنار توسعه سایر جنبه‌های آن توجه شده است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های اجتماعی که بر این وجه فرهنگی برنامه تأثیرگذار بوده است کتابخانه‌ها بخصوص کتابخانه‌های عمومی هستند. کتابخانه‌های عمومی بعنوان پایگاه‌های رایگان قابل دسترسی مردمی، در جهت ارتقای فرهنگی جامعه بوجود آمده و فعالیت کرده‌اند. بنابراین نمی‌توان در مورد توسعه فرهنگی صحبت کرد، اما نام و نقشی از کتابخانه‌های عمومی را به زبان نیاورد. از همین روی ارزیابی تحقق اهداف فرهنگی برنامه‌های توسعه کشور با توجه به کارکردهای کتابخانه‌های عمومی می‌تواند نکات پوشیده و در عین حال مهمی را برای برنامه‌ریزان کشور روشن سازد.



ساختار پایان نامه

این پایان نامه از پنج فصل و چهار پیوست تشکیل شده است. همان گونه که قبلاً نیز ذکر آن رفت این پایان نامه با پایانه‌های مشابه خود در این مقطع تحصیلی تفاوت‌هایی دارد. یکی از این تفاوت‌ها در ساختار آن است. فصل دوم و سوم این پژوهش به دو مقوله تحت عنوان مبانی نظری پژوهش (عنوان کامل آن‌ها در ادامه ذکر می‌شود) اختصاص پیدا کرده است. این دو فصل در حقیقت صغری و کبرایی هستند برای بحث منطقی مطرح شده در فصل بعد. عناوین فصل‌ها و مباحث مطرح شده در فصول رساله عبارت‌اند از:

فصل اول، معرفی پژوهش: در این فصل مباحث مقدماتی پژوهش اعم از اهداف، روش، جامعه، گردآوری اطلاعات، ابزارها و پیشینه پژوهش درج شده است.

فصل دوم، مبانی نظری پژوهش، قسمت‌هایی از بندهای فرهنگی برنامه‌های توسعه: در این فصل سه برنامه توسعه کشور مورد کنکاش قرار گرفته و مقوله‌های فرهنگی هر یک استخراج و ارائه شده است.

فصل سوم، مبانی نظری پژوهش: تحلیل اهداف و وظایف کتابخانه‌های عمومی با رویکردی به اهداف و استراتژی‌های فرهنگی برنامه‌های توسعه: در این فصل که مطالب آن در قالب

۸ بند ارائه شده است برخی از کارکردهای فرهنگی متصور در مورد کتابخانه‌های عمومی، عمدتاً با استفاده از «رهنمودهای ایفلا برای کتابخانه‌های عمومی»^۱ ارائه شده‌اند. در این فصل، تنها به ارائه این کارکردها و تبیین و تفسیر آن‌ها اقدام شده و هنوز در مورد مقایسه آن‌ها با برنامه‌های توسعه هیچ اقدامی صورت نگرفته است.

فصل چهارم، تحلیل یافته‌ها: مطالب ارائه شده در این فصل، که قسمت اصلی پایان نامه بشمار می‌آید تصویری از وضعیت کتابخانه‌های عمومی کشور تا سال ۱۳۸۰ در مقایسه با «رهنمودهای ایفلا برای کتابخانه‌های عمومی» ارائه می‌کند. در حقیقت از رهنمودهای ایفلا بعنوان سیاهه واریسی (check list) این پژوهش استفاده شده است تا وضعیت ایران در مقابل این رهنمودها مشخص شود. البته در این راه دشواری‌هایی وجود داشته است، چنانکه در صفحه ۷۴ پایان نامه به این موضوع چنین اشاره می‌شود: «بررسی میزان انطباق شرایط کتابخانه‌های عمومی در ایران با آنچه که در رهنمودهای ایفلا آمده است، به جز در مواردی که داده‌ها و استانداردهای کمی مشخصی در اختیار داریم، تا حدودی دشوار و در پاره‌ای نیز غیرممکن به نظر می‌رسد. از این رو ابتدا داده‌های کمی را بررسی کرده و سپس طبق شواهد موجود و اظهارات کارشناسان ذی‌ربط تصویری

مشخصی است و مسأله اصلی پژوهش را بیان می‌دارد. دایره آن نیز شامل مقدمه و تعریف عملیاتی یا پرسش‌های پژوهش نمی‌شود.

۳. در عنوان اشاره‌ای به «رهنمودهای ایفلا برای کتابخانه‌های عمومی» نشده است، در حالی که یکی از مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، همان استاندارد یا رهنمودهای ایفلا است. اگر بخواهیم پژوهش را از زاویه‌ای دیگر یعنی از زاویه عمل صورت گرفته در پایان‌نامه بنگریم حتی عنوانی مانند: «مطالعه تطبیقی وضعیت کتابخانه‌های عمومی کشور با رهنمودهای ایفلا برای کتابخانه‌های عمومی» مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

۴. پیوست‌ها دارای عنوان مشخص نیستند. در انتهای پایان‌نامه ۴ پیوست ارائه شده است که در هر پیوست یک دسته اطلاعات مرتبط با هم درج شده است. اگر یک عنوان مناسب که معرف اطلاعات درون هر پیوست می‌بود، ارائه می‌شد خواننده با اشراف بهتر و سهولت بیشتری از مباحث بهره‌مند می‌شد.

۵. اگرچه عنوان پایان‌نامه به اهداف فرهنگی برنامه‌های توسعه‌ای کشور اشاره دارد و می‌دانیم که عنوان برنامه‌های توسعه‌ای کشور «برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» است. بنابراین جا داشت که در قسمت پیوست‌ها، مانند آنچه در پیوست‌های «طرح توسعه نظام ملی کتابخانه‌های عمومی ایران» ارائه شده است (مهراد، حری، ۱۳۸۰: ص. ۱۵۰)، بخش فرهنگی یکی از برنامه‌های توسعه بصورت کامل یا گزیده برای کمک به درک بیشتر استفاده‌کنندگان از پایان‌نامه ارائه شود.

۶. در فصل پنجم (نتیجه‌گیری و پیشنهادها)، ص. ۹۸ بخشی با عنوان «مشکلات و تنگناهای انجام پژوهش» آمده است. وجود این بخش در پایان‌نامه بسیار مفید و خوب است، اما بطور معمول در فصل اول پژوهش ارائه می‌شود نه در انتهای آن و در قسمت مباحث تحلیلی و نتیجه‌گیری (البته شاید این هم به دلیل شیوه پایان‌نامه‌نویسی در دانشکده متبوع صورت گرفته است).

در مجموع پایان‌نامه با رویکردی متفاوت به وضعیت کتابخانه‌های عمومی کشور پرداخته و بخوبی توانسته است وضعیت را از دل برنامه‌های کلان کشور و از نگاه برنامه‌ریزان اجرایی بیرون بکشد و ارائه نماید. برنامه‌های توسعه که پس از اتمام جنگ ویرانگر، به اجرا گذارده شد علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور به وجه فرهنگی آن نیز توجه

کلی از فاصله‌ای که میان این شرایط و شرایط مطلوب وجود دارد، ارائه می‌دهیم».

مطالب ارائه شده در این فصل عبارت‌اند از: نگاهی به آخرین رهنمودهای ایفلا برای کتابخانه‌های عمومی؛ بررسی میزان انطباق شرایط کتابخانه‌های عمومی ایران با استانداردها و رهنمودهای ایفلا؛ که شامل ۵ موضوع به این ترتیب می‌شود: ۱. پوشش واحدهای کتابخانه‌ای و پراکندگی آن‌ها؛ ۲. مجموعه کتابخانه ۳. نیروی انسانی ۴. فناوری‌های نوین اطلاعاتی ۵. ارزیابی عوامل کیفی.

فصل پنجم، نتیجه‌گیری و پیشنهادها؛ شامل بحث و نتیجه‌گیری؛ نظرها و پیشنهادها، مشکلات و تنگناهای انجام پژوهش و پیشنهاد برای پژوهش‌های بعدی است.

پیوست‌ها: در انتهای پایان‌نامه، بعد از فهرست مأخذ و چکیده به زبان انگلیسی، چهار پیوست ارائه شده است. پیوست شماره یک برخی مکاتبات اداری، لوایح و آیین‌نامه‌های اداری مرتبط با کتابخانه‌های عمومی را در برمی‌گیرد. پیوست شماره دو شامل جدول‌هایی منعکس‌کننده وضعیت آماری کتابخانه‌های عمومی کشور است. پیوست شماره سه آیین‌نامه‌های بهره‌گیری از کتابخانه‌های عمومی کشور است. در انتها یعنی پیوست شماره چهار نسخه تجدید نظر شده «رهنمودهای ایفلا برای کتابخانه‌های عمومی» که در ژوئن ۲۰۰۰ منتشر شده، ارائه شده است.

کاستی‌ها

۱. در چکیده چنین عبارتی آمده است: «در پاراهای موارد از روش مصاحبه استفاده شده»، اما در قسمت روش پژوهش هیچ اشاره‌ای به این روش نشده است و مشخص نیست در چه مواردی و برای چه اهدافی از آن استفاده شده یا قرار بوده است که استفاده شود.

۲. فصل اول پایان‌نامه به معرفی پژوهش اختصاص دارد. در این فصل مطالب به شش دسته تقسیم شده و برای هر دسته عنوان‌هایی انتخاب شده که عبارت‌اند از: بیان مسأله، هدف و فایده پژوهش، متغیرهای اساسی پژوهش، روش‌ها و فنون، پیشینه پژوهش. عنوان اول یعنی «بیان مسأله» در برگزیده مقدمه، تعریف مسأله، تعریف عملیاتی اجزای مسأله و پرسش‌های اساسی است. این تقسیم‌بندی که شاید بر اساس آیین‌نامه تهیه این‌گونه پایان‌نامه‌ها در دانشکده متبوع صورت گرفته، تقسیم‌بندی مناسبی نیست، زیرا آنچه در عرف پژوهش و کتاب‌های روش پژوهش وجود دارد، بیان مسأله دارای تعریف

داشت. اما صرفاً قرار دادن واژه «فرهنگی» در عنوان برنامه توسعه، مشکلی را حل نمی‌کند و خود به خود باعث ارتقای فرهنگ جامعه نمی‌شود، بلکه نگاه مناسب به مقوله فرهنگ و از آن مهم‌تر برنامه‌ریزی اصولی و بنیادین است که راه پر سنگلاخ فرهنگ را هموار کرده و چابک‌سواران فرهنگی را در آن به حرکت در می‌آورد. بر همگان واضح است که فرهنگ و برنامه‌ریزی فرهنگی در هر سرزمینی بدون توجه عمیق به کتابخانه‌ها بعنوان پایگاه‌های فرهنگی، به راهواری می‌ماند که تنها با نیمی از توانش راه می‌پیماید.

آنچه این پژوهش در پی آن بوده، اندیشه و دغدغه‌های فرهنگی برنامه‌ریزان کشور در مورد کتابخانه‌های عمومی است که در برنامه‌های تدوین شده آن‌ها منعکس شده است. روشن است که در شرایط ناپایدار و ناامن جنگ، دغدغه‌های فرهنگی چندان به چشم نمی‌خورد و اتفاقاً چنان که در همین پایان‌نامه هم به آن اشاره شده است، هرچه از زمان جنگ دورتر می‌شویم، نگاه‌های فرهنگی بیشتری را نیز شاهد هستیم. «برنامه سوم توسعه که از سال ۱۳۷۹ اجرای آن آغاز شده است، به لحاظ ساختار با دو برنامه پیشین تفاوت‌های بسیاری دارد. از جمله مهم‌ترین این تفاوت‌ها، توجه خاصی است که طراحان آن به بخش فرهنگی مبذول کرده‌اند. در برنامه سوم تلاش شده است که برنامه‌ریزی فرهنگی تابع نیازهای واقعی بخش فرهنگ باشد و از برخورد سیاسی با مسائل آن پرهیز شود» (ص. ۲۹).

متأسفانه چنان که یافته‌های پژوهش نشان داده است، وضعیت کتابخانه‌های عمومی کشور بر اساس مطابقت صورت گرفته مابین آنچه در برنامه‌های توسعه پیش‌بینی شده با وضعیت مناسب ارائه شده توسط ایفلا فاصله زیادی دارد. «بنابراین به نظر می‌رسد که کتابخانه‌های عمومی ایران در حال حاضر فاصله نسبتاً زیادی با وضعیت مطلوب و استاندارد دارند و در چنین شرایطی نمی‌توانند نقش مؤثری در تحقق بخشیدن به اهداف و استراتژی‌های مرتبط در برنامه‌های توسعه‌ای ایفا کنند. ناگفته پیداست که هر چه این فاصله یعنی فاصله بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود کمتر شود، امکان تحقق اهداف و استراتژی‌های فرهنگی برنامه‌های توسعه‌ای بیشتر خواهد بود» (ص. ۹۷). این کاستی در کتابخانه‌های عمومی کشور بعنوان مراکز اصلی فرهنگی کشور، دلایل متعددی دارد که در پایان‌نامه بطور مفصل بحث شده و در قسمت‌هایی از این نوشته هم به آن‌ها اشاره شده است. هم‌چنین این کاستی‌ها باعث بیشتر شدن فاصله شده و خود عامل بروز کمبودهای

دیگری می‌شوند، زیرا جهان با سرعت زیادی در حال حرکت بوده و مثال جامعه ما و جهان همانند حرکت قطار می‌ماند که سالن‌های آخر هر چقدر هم تلاش کنند قادر نخواهند بود که از سالن اول جلوتر بروند. اگر قرار باشد بر اساس قاعده حرکت قطار حرکت کنیم اوضاع همین خواهد بود. تنها یک راه باقی می‌ماند و آن هم حرکت جدی و برنامه‌ریزی واقعی و درس گرفتن از پژوهش‌هایی مانند این پایان‌نامه و پژوهش‌های دیگر است که در حقیقت روشن‌کننده موقعیت ما هستند.

قبل از اتمام کلام لازم است در اینجا به نکته‌ای اشاره شود. پیشنهادی که در انتهای این پایان‌نامه بعنوان پیشنهاد اصلی آن ارائه شده است به این شرح است: «با توجه به اینکه آخرین بررسی وضعیت دقیق کتابخانه‌های عمومی مربوط به سال ۱۳۷۰، یعنی ده سال پیش است، ضرورت انجام یک پژوهش دقیق و جامع در مورد وضعیت کتابخانه‌های عمومی ایران که منعکس‌کننده آمار دقیق این کتابخانه‌ها باشد و تصویری روشن از وضعیت فعلی آن‌ها به دست دهد، کاملاً احساس می‌شود» (ص. ۹۷). خوشبختانه اکنون که این مطلب نوشته می‌شود، پیرو پیشنهاد بالا، شاهد اتمام طرحی به سفارش «دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور» با عنوان «طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی کشور» هستیم. این طرح که با هدف بررسی وضعیت موجود و ارائه راهکارهای مناسب برای توسعه همه جانبه کتابخانه‌های عمومی کشور به اجرا درآمده است، پس از نزدیک به سه سال، نتایج مطالعه همه جانبه کتابخانه‌های عمومی کشور را در اختیار برنامه‌ریزان و متولیان امور قرار داده است. پرداختن به جزئیات این طرح از حوصله این نوشته خارج است، اما به طور مختصر زمینه‌های مورد مطالعه در آن که در قالب ۱۰ زیرطرح مستقل صورت گرفته معرفی می‌شوند.

۱. طرح ۱: بررسی و طراحی مجدد سازمان کار و تشکیلات کتابخانه‌های عمومی در سطح خرد و کلان
۲. طرح ۲: تدوین نیازهای آموزشی کارکنان کتابخانه‌های عمومی کشور
۳. طرح ۳: فراهم‌آوری و مجموعه‌سازی کتابخانه‌های عمومی کشور
۴. طرح ۴: بررسی وضعیت سازماندهی (فهرست‌نویسی و رده‌بندی) در کتابخانه‌های عمومی کشور
۵. طرح ۵: خدمات عمومی در کتابخانه‌های عمومی کشور

۶. طرح ۶: ارتباطات، مجامع علمی و انتشارات در کتابخانه‌های عمومی کشور

۷. طرح ۷: پژوهش در کتابخانه‌های عمومی کشور

۸. طرح ۸: لوازم و تجهیزات کتابخانه‌ای در کتابخانه‌های عمومی کشور

۹. طرح ۹: حفاظت و نگهداری مواد، تجهیزات و فضا در کتابخانه‌های عمومی کشور

۱۰. طرح ۱۰: مآخذشناسی، گردآوری و تنظیم منابع اطلاعاتی در خصوص کتابخانه‌های عمومی کشور (حافظیان رضوی، ۱۳۸۳).

علاقه‌مندان به آگاهی بیشتر در این خصوص می‌توانند به نوشته‌های منتشر شده در این زمینه در همین شماره یا مجله‌های دیگر مراجعه نمایند.

در پایان باید ذکر شود که گرچه پایان‌نامه، مانند هر نوشته دانشجویی دیگر، دارای نقایص و کاستی‌هایی است، اما با رویکردی تحلیلی و با ارائه شواهد مستدل با تکیه بر مستندات دولتی و اداری وضعیت نامناسب کتابخانه‌های عمومی کشور را ترسیم کرده است و می‌تواند الگویی خوب برای پژوهش‌های بعدی باشد.

۶- پژوهش در خصوص آسیب‌شناسی کتابخانه‌های عمومی اگر چه جایگاه خوبی دارد و آسیب‌شناسی مقدمه درمان است، اما در قسمت ارائه راه‌حل برای درمان این مشکلات کار زیادی انجام نداده است. اگر قدری بر روی راه‌حل‌های ممکن برای رفع این مشکلات کار می‌شد می‌توانست مفیدتر باشد. (که البته نمی‌دانم چگونه می‌شد در چارچوب چنین پژوهشی به ارائه راه‌کار پرداخت) چون در هدف پژوهش هم به این اشاره شده است که «وضعیت مطلوب کمی و کیفی برای کتابخانه‌های عمومی کشور پیشنهاد شود» (ص ۱۶)، اما در عمل به این هدف پژوهش پرداخته نشده است.

پیشینه‌های خارجی ارائه شده، پیشینه‌های چندانی قوی و معتبری نیستند.

منابع فارسی از مجلات معتبر انتخاب نشده‌اند. علی‌رغم اینکه در منابع معتبر حتماً موارد مشابهی که از اعتبار بیشتری برخوردار باشد نیز یافت می‌شد.

پانوش:

1. IFLA's Guidelines for Public Libraries (2000)

منابع:

- حافظیان رضوی، کاظم. (۱۳۸۳). «طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی کشور: گزارش به نشست مسوولان امور کتابخانه‌های عمومی کشور». ارائه شده در همایش مشترک کتابداران و مسوولان کتابخانه‌های عمومی کشور و دست‌اندرکاران طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی کشور (تهران ۲۰-۲۱ خرداد ۱۳۸۳).

- مهرداد، جعفر؛ حری، عباس. (۱۳۸۰). طرح توسعه نظام ملی کتابخانه‌های عمومی ایران. شورای پژوهش‌های علمی کشور، کمیسیون اطلاع‌رسانی، برنامه ملی تحقیقات.

نقد در نقد

اصحاب قلم عمدتاً به این نکته اذعان دارند که همواره وقتی به نوشته‌های سابق خود بازمی‌گردند متوجه کم و کاستی‌ها و ایرادهای احتمالی کار می‌شوند. تقریباً کمتر کسی هست که نوشته‌های پیشین خود را بخواند و در آن اشتباهی هر چند اندک نیابد. این نکته در خصوص کارهای پژوهشی به مراتب بیشتر صدق می‌کند. هر چند هر کسی برای تدوین پایان‌نامه خود زحمت فراوانی متحمل می‌شود و من نیز یک سال را با این دغدغه سپری کرده‌ام، اما اکنون پس از چهارسال به هنگام تورق آن تازه احساس می‌کنم که چقدر خام و بی‌تجربه بوده‌ام و گاهی حتی خود را سرزنش می‌کنم که چگونه اشتباه‌هایی به این فاحشی از چشمم دور مانده است! از دوست و همکار فرهیخته و باحوصله‌ام آقای زین‌العابدینی بسیار سپاس‌گزارم که در این خصوص قبول زحمت کرده و ضمن معرفی این رساله به نقد آن پرداخته‌اند و اجازه می‌خواهم که برخی ایرادهای وارد بر این اثر را نیز خود متذکر شوم. باشد که این حرکت فتح بابی باشد در این راه که گاهی بیش از هر کس خود به انتقاد از خود پردازیم: